

## چرا تشکل کارگری ضروری است؟

پویان نجفی

دهم آبان ماه هشتاد و شش

اخراج گسترده ی کارگران به بهانه های مختلف، جان باختن و معلولیت هر روزه ی کارگران به خاطر عدم وجود امنیت در محیط کار، دستمزدی که کفاف زندگی متعارف را به کارگران نمی دهد، قراردادهای موقت و سفید امضا و ده ها مشکل دیگر از این دست در زندگی کارگران به مسائلی عادی و البته دردناک تبدیل شده است.

از طرف دیگر این کار کارگران است که تمامی مواهب مادی و معنوی زندگی را ایجاد می کند. کلیه ی وسایل زندگی و کلیه ی خدمات مربوط به آن از طریق نیروی خلاقانه ی کارگر تامین می شود.

در این جا این سوال مهم و اساسی مطرح می شود که چرا با این که کارگران خود به وجود آورنده تمامی مواهب مادی و معنوی یک جامعه هستند، کمترین بهره را از این مواهب می برند؟

پاسخ این سوال در این نکته نهفته است که صاحبان سرمایه و ابزار تولید همواره در پی کسب سود بیشتر هستند و این سود بیشتر در گرو بهره کشی بیش از پیش از ارزشی است که کارگران به وسیله ی نیروی کارشان با به حراج بخشی از وجود و جان و تن شان است، تولید می کنند.

در این شرایط کارگران در برخورد با این وضعیت راه حل های گوناگونی را برمی گزینند. که بنا به انتخاب هر کدام از این روش ها به دسته های مختلفی تقسیم می شوند.

**دسته ی اول** کارگرانی هستند که با پذیرفتن این نظم غیر انسانی که توسط صاحبان سود و سرمایه بر آنان تحمیل گشته است، تنها می خواهند با اتکا به تلاش فردی شان پله های رشد و ترقی را طی کنند. این افراد با کار بیشتر و فروکاستن از نیاز های طبیعی خود و اطرافیان شان سعی در جمع آوری بیشتر پول دارند تا شاید در آینده ای که چندان هم نزدیک نیست و بعضا هیچ وقت هم نمی رسد، بتوانند اندکی وضع زندگی خود را بهتر کنند. اما تجربه ی واقعی نشان داده است که اکثرا در این راه موفق نیستند.

**دسته ی دوم** افرادی هستند که کاملا از هر نوع تغییری در شرایط کار و زندگی کنونی شان ناامید گشته اند و آن قدر فشار این وضعیت نا مطلوب بر شان وارد آمده است که بدون هیچ افق خاصی در آینده ی زندگی شان تنها به حفظ همین شرایط بد دل بسته اند و مثل ماشین های بی جان و روح تنها به کار کردن و تحلیل دادن قوای جسمی شان می پردازند. آنان برای زندگی کار نمی کنند بلکه برای کار زندگی می کنند. البته این جمع وسیع نا امیدان را می توان به جمعیتی امیدوار به تغییر تبدیل کرد. این امر در روند مبارزه ی متشکل کارگران محقق خواهد شد.

**دسته سوم** از کارگران نیز وجود دارند که با وقوف به این امر که شرایط کنونی کار و زندگی شان نا مطلوب و بد است به مبارزات فردی و اعتراضات پراکنده می پردازند. این عده از کارگران نسبت به دو گروه قبلی دارای

سطح آگاهی مبارزاتی بالاتری هستند و ضرورت تغییر این وضع بد زندگی و محیط های کارش را درک کرده اند. اما چون به صورت فردی و پراکنده دست به اعتراض به این وضعیت بد می زنند، در اکثر مواقع قدرتشان پاسخ گوی زورگویی و ابزار های رنگارنگ صاحبان سرمایه نمی شود. در ضمن حاکمیت حامی سرمایه دار را نیز در مقابل خود می بینند. در نتیجه در بیشتر مواقع خواست های به حق شان نادیده گرفته می شود و اعتراض شان سرکوب می گردد. در نتیجه اغلب بعد از چند دور اعتراض و سرکوب، سرخورده و ناامید می شوند. اما این گروه از کارگران اگر بتوانند نیروی اعتراضی خود را متشکل و هدایت شده بکنند به طور قطع هیچ قدرتی نمی تواند جلوی خواست های به حق آنان بایستد.

**اما دسته ی آخر** که در این مطلب به آنان می پردازیم، کارگرانی هستند که بینش و آگاهی مطلوبی نسبت به شرایط دارند. یعنی علاوه بر این که درک کرده اند که شرایط موجود حاکم در روابط کاری و تمام شئون زندگی شان بد و دون شان انسانی است و باید به آن ها فعالانه اعتراض کرد و برای تغییرشان تلاش نمود. این موضوع را هم می دانند که تنها با نیروی جمعی و متشکل کارگران تغییر و بهتر شدن محقق می گردد.

در این جاست که ضرورت تشکل کارگری بهتر درک می شود. واقعیت زندگی و کار تمامی کارگران این نکته را هر روز به آنان گوشزد می کند که صاحبان سرمایه و ابزار های تولید با تمام اختلافاتی که در ظاهر تنها به خاطر منطق سود و سرمایه و بازار آزاد و رقابت بین سرمایه داران بین شان وجود دارد اما در یک موضوع با هم متحد هستند و آن استثمار و بهره کشی هر چه بیشتر از نیروی کار است. در پشت سر آنان دستگاه عریض و طویل دولت و حاکمیت حامی سرمایه دار وجود دارد که با تبلیغات بی امان رسانه ای، ملی و قومی و مذهبی و... سعی در فریب کارگران دارد. همچنین نیروی عریان سرکوب گر به وسیله سرمایه داران و دولت حامی آنان در خدمت گرفته می شود تا در مواقع اوج گیری اعتراضات و مبارزات کارگران به سرکوب خشونت آمیز آنان بپردازد.

در این وضع ضد کارگری و غیر انسانی، کارگران برای دفاع از خود و حقوق شان و بهتر کردن شرایط زندگی خود هیچ ابزار اعمال قدرتی جز نیروی خود ندارند. این نیروی کارگران نیز در عمل متحدانه و آگاهانه شان تبلور می یابد.

در این تشکل به عنوان یک ابزار و ظرف برای جمع آوری همین نیروی متحدانه و آگاهانه کارگران است. کارگران در تشکل دور یکدیگر جمع می شوند. با همفکری و همراهی یکدیگر می توانند تحلیل بهتر و جامع تری از وضع زندگی شان بدهند. خواست های به حق خود را تنظیم می کنند و برای رسیدن به آن ها راهکار های متناسب با این خواست ها و توازن قوا بین نیروی کار و نیروی سرمایه را می سنجند. در واقع تشکل را می توان به خاکریزی تشبیه کرد که کارگران برای جلو گیری از تعرض سرمایه داری لجام گسیخته به زندگی شان آن را پی می ریزند. تشکل ابزاری قوی و توانمند برای ساختن یک زندگی بهتر و جهانی انسانی تر است.

تشکل کارگری به هر شکل اش یک گام رو به جلو برای کارگران است، چون تنها جمع عددی نیروی تک تک کارگران متشکل شده در آن نیست بلکه فراتر از آن است. تشکل نیروی عظیمی را برای مقابله با سرمایه داران و ابزار های سرکوب آنان را فراهم می آورد.

در شرایط کنونی جامعه ی ایران که هر روزه شاهد تعرض گسترده و وحشیانه ی سرمایه داران و دولت حامی آن

هستیم. در شرایطی که هیچ راهی برای موفقیت فردی نمی ماند و در ضمن اعتراضات پراکنده و منفرد کارگران هر روز به صورت وحشیانه ای سرکوب می شود. موج بزرگی از ناامیدی کارگران را در بر گرفته است. در این وضعیت نه چندان خوب ضرورت ایجاد تشکل کارگری به هر نام و شکلی بیشتر احساس می شود. تا به وسیله ی این ابزار متحد کننده نیروی اعتراضی کارگران را از پراکندگی نجات داد و هدایتش کرد تا زودتر به خواست های شان برسند و هم چنین دوباره امید به زندگی بهتر را به درون کارگران نا امید تزریق کرد. تا در آینده همین نیروی متحد طبقه کارگر بتواند برای ایجاد جهانی انسانی و عاری از هرگونه تبعیض تشکل مطلوب تر و عالی تر خود را بسازد.

پویان نجفی

وبلاگ کارگر

پنجشنبه دهم آبان ۱۳۸۶